

آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری و ارائه راهکاری جهت بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجو (مطالعه‌ی تطبیقی)

کاظم فتح تبار فیروزجائی^۱، علی شجاعتی^۲، ایمان شهرام^۳، فاطمه خادمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

چکیده

با افزایش تقاضا برای تحصیل در مقاطع آموزش عالی و محدودیت ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها علی‌الخصوص در رشته‌های پرطرفدار، سنجش و پذیرش دانشجو به یکی از اهداف مهم نظام آموزشی تبدیل شده است. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی وضعیت فعلی الگوی سنجش و پذیرش دانشجو و ارائه راهکارهایی به منظور بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجو در کشور انجام شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از منظر روش‌شناسی به روش کیفی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش خبرگان و صاحب‌نظران علمی و اجرایی در حوزه کنکور بوده‌اند که به روش نمونه‌گیری هدفمند با رویکرد گلوله برفی انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از عدم کارآمدی و اثربخشی لازم در الگوی فعلی سنجش و پذیرش دانشجو است. چالش‌های مربوط به الگوی فعلی سنجش و پذیرش دانشجو در سه دسته: آسیب‌های ناشی از فضای نظام آموزشی در دوران قبل از کنکور، چالش‌های ناشی از فضای حاکم بر آزمون سراسری و شرایط ناظر بر کنکور داوطلبان، و آسیب‌های مربوط به دوران بعد از برگزاری آزمون سراسری قابل تأمل و بررسی است. همچنین پذیرش توسط دانشگاه، بهینه‌سازی پذیرش بر اساس سوابق تحصیلی، راهکارهایی در ارتباط با ارتقای عملکرد و کارایی نظام آموزشی و هدایت تحصیلی از جمله راهکارهای مکمل و جایگزینی بودند که در پژوهش حاضر مورد شناسایی قرار گرفتند. از منظر صاحب‌نظران، اجرای موفقیت‌آمیز الگوی جایگزین مستلزم مطالعه عمیق، امکان‌سنجی، بررسی و ارزیابی دقیق و موشکافانه آن در ابعاد مختلف آموزشی و غیرآموزشی است. لذا با توجه به نتایج پژوهش حاضر راهکارهایی مانند کاهش تأکید بر حفظیات و توجه بیشتر به سایر مهارت‌های موردنیاز جامعه امروزی، استعدادها، علایق و توانمندی دانش‌آموزان، هدایت تحصیلی هوشمندانه و فرایند محور و انتخاب رشته‌ای متناسب با استعداد، علایق، و توانمندی دانش‌آموزان، تغییر از رویکرد هنجاری به شیوه ملاکی و حذف تدریجی کنکور پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی سنجش و پذیرش، الگوی سنجش و پذیرش کنکور

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری» پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری است.

۱. دانش‌آموخته دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش دانشگاه تهران، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری پژوهشکده

مطالعات فناوری ریاست جمهوری. (نویسنده مسئول) K_fathtabar.1986@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست

جمهوری.

مقدمه

آموزش عالی به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بستر در تربیت نیروی انسانی هر کشور، نقش مؤثری در رشد اقتصادی و تسریع حرکت جامعه در توسعه همه جانبه دارد. بنابراین، افرادی که وارد این نهاد علمی می‌شوند باید جزء شایسته‌ترین و توانمندترین افراد در سطح جامعه باشند. چرا که دانشجویان از عناصر اصلی و کلیدی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی محسوب می‌شوند. لذا ورود داوطلبانی که سوابق تحصیلی درخشانی ندارند و توانمندی لازم را برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها کسب نکرده‌اند، آثار منفی بر کیفیت کار دانشگاه‌ها (آقازاده، ۱۳۷۷؛ باقری‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰) و در نهایت اهداف کلان کشور می‌گذارند. از طرفی شکوفایی ذهن و اندیشه و فراگیری علم و دانش در مقاطع مختلف از جمله در آموزش عالی جز حقوق اساسی همگان بوده و تمامی افراد واجد شرایط در صورت احراز صلاحیت علمی-فنی، باید امکان ورود به آموزش عالی را داشته باشند. همچنین دستیابی به جایگاه اجتماعی بالا و تضمین شغلی در ایران با دسترسی به تحصیلات عالی و حرفه‌ای مرتبط است، لذا آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها به طرز شگفت‌آوری تأثیری انکارناپذیر بر ارزش‌های اجتماعی و حس رقابت موجود و بر کل نظام آموزشی بر جای می‌گذارد (کیانی، ۱۳۹۴). هم‌چنین شدت و سرعت تغییر و تحول در نوع نیاز به نیروی انسانی متخصص برای رشد و توسعه اقتصادی، مسائل پیچیده‌ای را در بازار کار به وجود می‌آورد. برای رفع این تنگناها باید گزینش دانشجو به اندازه کافی حساب شده و دقیق باشد تا بتواند نظام آموزش عالی را بر اساس نیاز جامعه به نیروی انسانی متخصص تنظیم کند (مجتهدی، ۱۳۷۳؛ رحیمی و آقابابا، ۱۳۸۴). لذا، این امر وجود معیاری را به منظور سنجش و پذیرش شایسته‌ترین‌ها با رعایت دسترسی همگان به فرصت آموزشی ضروری ساخته است. البته دسترسی به آموزش عالی هنگامی عادلانه خواهد بود که فرصت‌های برابر، برای ورود به دانشگاه وجود داشته باشد. بدین معنی که هر داوطلب مستعد ورود به آموزش عالی، صرف نظر از هر نوع ویژگی دیگر، فرصت مساوی برای پذیرش در دانشگاه داشته باشد. بدون شک وجود سازوکارهایی که موجب شود، کسانی که از توانایی بیشتر برخوردارند، به عرصه آموزش عالی راه یابند (جاودانی، ۱۳۸۶) از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

موضوع سنجش و پذیرش دانشجو در ایران از دهه ۴۰ هجری شمسی به دلیل افزایش داوطلبان برای تحصیلات و محدودیت ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و عدم تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص و ماهر برای زنجیره گسترده‌ای از مشاغل جدید و پیشرفته، افزایش سطح کیفی و تقسیم کار و پیچیدگی روزافزون مهارت‌ها به عنوان سازوکاری برای انتخاب برگزیدگان از میان انبوهی از داوطلبان علاقه‌مند به ادامه تحصیل و یادگیری در سطوح عالی (گزینش با استعدادترین، بهترین و شایسته‌ترین افراد) مطرح و در حال اجرا است. انتظار می‌رود در فرایندی کاملاً مناسب، مستعدترین و توانمندترین داوطلبان، جذب مراکز دانشگاهی شوند تا هدف متعالی آموزش عالی به بهترین شکل محقق شود. این امر به اندازه‌ای مهم و جدی بوده که موجب شده است تا شیوه‌های پذیرش دانشجو در آموزش عالی در کشور همواره مورد بررسی و ارزیابی پژوهشگران، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در ابعاد و حوزه‌های مختلف قرار گیرد تا صحیح‌ترین و مناسب‌ترین شکل و محتوا را به خود گیرد. در همین راستا مسئولان و دست‌اندرکاران امر آموزش عالی می‌کوشند تا با انتخاب شیوه‌ای مناسب، به گزینش هر چه بهتر دانشجویان مستعد

اقدام نمایند. اما وجود پاره‌ای از مسائل، باعث عدم دستیابی به اهداف مذکور و ناکارآمدی آن در ابعاد مختلف شده است.

در واقع، وضعیت موجود سنجش و پذیرش دانشجو که حاصل شرایط و سیاست‌های آموزشی گذشته و شرایط جمعیتی کشور به‌ویژه جمعیت دانش‌آموزی در دهه‌های گذشته و پاسخ به تقاضای اجتماعی و دستیابی همگان به سطوح عالی آموزش بوده است، از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نیست و نیاز به بازنگری و اصلاح جدی دارد. البته در سال‌های اخیر تغییراتی در نحوه سنجش و پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایجاد شده است که کنکور تنها مسیر ورود دانشجویان به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی محسوب نمی‌شود و سوابق تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند بنا درخواست متقاضی و تاثیر مثبت آن در امتیازات کسب شده برای ورود به آموزش عالی نقش داشته است و حتی در برخی از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌ویژه دانشگاه‌های غیردولتی (آزاد، غیرانتفاعی و پیام نور) پذیرش دانشجو بدون کنکور نیز صورت می‌گیرد؛ اما با وجود این، هنوز هم نتایج کنکور (آزمون سراسری)، تعیین‌کننده کلیدی و معیار اصلی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های معتبر و دولتی و رشته‌های خاص محسوب می‌شود.

با توجه به اهمیت و جایگاه سنجش و پذیرش دانشجو و تأثیرات آن در ابعاد مختلف جامعه، در طول سال‌های اخیر، تحقیقات و مطالعات متعددی در زمینه نحوه پذیرش دانشجو در ایران صورت گرفته و سمینارها و نشست‌های علمی متعددی توسط مسئولین و مجریان مربوطه در وزارت علوم، سازمان سنجش و آموزش کشور و سایر دستگاه‌های دخیل در امر آموزش کشور به منظور یافتن جایگزینی مناسب برای ایجاد تحول در نظام سنجش و پذیرش دانشجو انجام شده است (مهرعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). افراد حقیقی و حقوقی با موقعیت‌های متنوع اداری، آموزشی، اجرایی و غیره به انحنای گوناگون در وجوب و فایده شیوه رایج آزمون سراسری گزینش دانشجو تردید نموده؛ و بر ناکارآمدی و پیامدهای منفی شیوه فعلی نظام سنجش و پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مانند آسیب‌های آموزشی، روان‌شناختی، مالی-اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنکور^۱ تأکید کرده و درباره عواقب آشکار و نهان آن هشدار داده‌اند (Mardiha, 2004). علاوه بر این امروزه نظام آموزشی در کشور با دو چالش جدی و متناقض، تقاضای بیش از حد در برخی از رشته-محل‌ها و پدیده صندلی خالی در برخی دیگر از رشته-محل‌ها (بعضاً برخی رشته‌ها بسیار مهم و کلیدی در رشد و توسعه کشور) مواجه است که عدم توجه به آن در بلندمدت عواقب و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر سرمایه انسانی و اقتصادی کشور وارد خواهد نمود.

هر چند در مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در این حوزه، راه‌حل‌ها و راهکارهایی برای حل معضل کنکور ارائه و پیشنهاد شده است اما اغلب مبتنی بر پژوهش‌های عمیق میدانی نبوده و لذا منجر به حل مسئله کنکور نشده‌اند. در همین راستا مطالعه، پژوهش و اندیشه درباره کنکور و روش‌های پذیرش دانشجو در کشور و انتخاب سازوکار جایگزین مناسب جهت برون‌رفت و کاهش مسائل و مشکلات موجود در این حوزه از اولویت‌های تحقیقاتی در نظام آموزشی

۱. برای نمونه ر.ج. ک به: Sedeghi, Stiggins, 1990, Mardyha, 2004; McNamara and Roever 2006; Hajforoush, 2002؛ زارعی و اورنگی، ۱۳۹۱؛ سبجانی و شهیدی، ۱۳۸۶؛ یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴؛ معتمدی ۱۳۸۲؛ کاردان، ۱۳۸۱، گویا، ۱۳۸۱؛ پورکاظمی، ۱۳۸۱؛ محقق، ۱۳۷۷

کشور بطور عام و نظام آموزش عالی بطور خاص محسوب می‌شود. دستیابی به اهداف فوق مستلزم تعامل تمامی نهادهای سیاستی و آموزشی درگیر در کشور در یک دوره طولانی و به دور از هرگونه اقدام نسنجیده و شتاب‌زده و اظهارنظرهای ناپخته، غیرعملی و غیرکارشناسانه در این زمینه می‌باشد. لذا پژوهش حاضر درصدد آسیب‌شناسی الگوی فعلی سنجش و پذیرش دانشجو، بازشناسی مسائل و آسیب‌های الگوی فعلی سنجش و پذیرش دانشجو در کشور (وضعیت موجود) و ارائه سازوکاری مناسب برای بهینه‌سازی و بهبود فرایند آن (وضعیت مطلوب) و کاهش مسائل و آسیب‌های ناشی از روش فعلی نظام گزینش و پذیرش دانشجو و هدایت آگاهانه دانشجویان به سمت رشته‌ها و دانشگاه‌ها با توجه به علاقه، انگیزه و استعداد است. هم‌چنین با استفاده از تجربیات ارزنده کشورهای موفق و پیشرو در این زمینه (مطالعه تطبیقی و بررسی و ارزیابی شیوه‌ها و الگوهای سنجش و پذیرش دانشجو در کشورهای ترکیه، ژاپن، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، فنلاند) و بررسی میدانی و مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان علمی - اجرایی (مطالعه نیازسنجی و امکان‌سنجی)، الگوی جدید به عنوان مکمل الگوی فعلی نظام سنجش و پذیرش دانشجو معرفی و نقاط قوت و ضعف (مزایا و معایب) و الزامات اجرایی آن مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

آموزش عالی با پیشینه‌ای به قدمت بیش از یک قرن به عنوان نهادی کلیدی، مود توجه خاص ملت‌ها و دولت‌هاست. دستیابی به فناوری‌های جدید و دانش پیشرفته که می‌تواند نقش مؤثری در تحقق و شتاب حرکت اجتماعی و اقتصادی ملل ایجاد کند، صرفاً با تقویت آموزش عالی و برنامه‌ریزی ارتقای کمی و کیفی آن میسر است (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳؛ باقری‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰). لذا آموزش عالی یک کالای تجملاتی نبوده و شرط اساسی برای بقای کشورها است (تایلاک، ۲۰۰۰). هر کشور تنها با داشتن یک نظام آموزش عالی کارا و به یاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و فارغ‌التحصیلان کارآموده، مجرب و متخصص خود می‌تواند در جهت بررسی و تفحص ناشناخته‌ها قدم برداشته و از نتایج اختراعات و اکتشافات استفاده نماید (باقری‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰). هم‌چنین آموزش عالی دارای مزایای فردی و اجتماعی متعددی است. در واقع در کشور ما باغ سبز دانشگاه آرزوی بسیاری از جوانان و خانواده‌های آنان می‌باشد. در همین راستا آموزش عالی مهم‌ترین و در عین حال در دسترس‌ترین ابزاری است که امکان تحرک اجتماعی و تغییر جایگاه اجتماعی افراد و دستیابی آنها را به یک موقعیت برتر در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و غیره را فراهم می‌سازد (سرکارآرانی، ۱۳۸۳). علاوه بر این تحصیلات دانشگاهی از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی برای جوانان و خانواده‌هایشان دارای منزلت و ارزش ویژه‌ای بوده و بعضاً افراد و خانواده‌ها گمان می‌کنند که همه راه‌های خوشبختی از دانشگاه می‌گذرد (کاظمی، ۱۳۸۱). عوامل فوق موجب هجوم سیل عظیم جوانان و تقاضای روزافزون آنها به ادامه تحصیل در مقاطع آموزش عالی شده است.

سیل عظیم متقاضیان و لزوم انتخاب افرادی شایسته جهت ورود به آموزش عالی، کشورها را ملزم به استفاده از ابزار و سازوکارهای مختلفی در دستیابی برابر، عادلانه، کارآمد و اثربخش همگان به فرصت‌های آموزشی و بهینه‌سازی فرایند سنجش و پذیرش دانشجویان کرده است. البته نحوه پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف، متأثر از دیدگاه‌های مختلفی است. برای نمونه در کشورهای سوسیالیستی و صنعتی مانند ژاپن و کره جنوبی، احتیاجات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملاک اصلی پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی است. در این کشورها، گزینش و

انتخاب دانشجوی منوط به پیش‌بینی مشاغل گوناگون در بخش‌های مختلف اقتصادی و نیازهای مربوط به آن است که در طی یک فرایند برنامه‌ریزی جامع و فراگیر رشد اقتصادی و آموزشی انجام می‌پذیرد. بر اساس رویکرد و سیاست‌های این گروه از کشورها، امتحانات ورودی، یکی از مهم‌ترین ملاک پذیرش دانشجوی در این کشورها باشد (زارعی و اورنگی، ۱۳۹۱: ۲۰۰؛ معتمدی، ۱۳۸۲).

در مقابل، گروهی دیگر از کشورها مانند انگلیس، آمریکا، فرانسه، سوئد و آلمان اظهار می‌نمایند که آموزش عالی می‌بایست دو هدف را دنبال نماید. یکی اینکه، افرادی را تربیت نماید که پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه باشند و دیگر آنکه مزایایی را فراهم نماید تا تعداد بیشتری از جوانان و بزرگ‌سالان بتوانند آموزش سطوح بالاتر را دریافت نمایند. هم‌چنین این گروه می‌گویند دوران ارائه آموزش خاص به یک طبقه برگزیده منتفی شده است. لذا پذیرش دانشجوی از راه امتحانات سخت ورودی را رد کرده و می‌گویند، این عمل تبعاتی از جمله گرایش بیشتر دانشجویان به رشته‌های هنر، حقوق، علوم اجتماعی و هنرهای زیبا به دلیل شانس بیشتر برای انتخاب شدن و ادامه تحصیل، گرایش کمتر به رشته‌های علوم و تکنولوژی، شاید به دلیل پایین بودن امکان قبولی، ترک تحصیل، ناامیدی، بی‌روحیه شدن، و طغیان دانشجویان را در پی خواهد داشت؛ بنابراین لازم است گزینش دانشجوی از بدو ورود به زمان تحصیل و آموزش تغییر یابد (زارعی و اورنگی، ۱۳۹۱؛ Aghazadeh, 1998).

نظام آموزش عالی در ایران مانند بسیاری از کشورها تحت فشارهای دوسویه قرار دارد. از یک طرف فشار ناشی از تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه‌ها و پاسخگویی به نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به نیروی متخصص است که بسط آموزش عالی را خواستار هستند. و از سوی دیگر، کمبود منابع مالی و امکانات موردنیاز برای گسترش آموزش عالی است که محدودیت و انقباض آن را در پی دارد. به زعم روشن (۲۰۰۷)، دلایل گسترش آموزش عالی و افزایش دانشجویان می‌توان در چهار حوزه دسته‌بندی کرد: ۱) دلایل حقوقی و قانونی: به موجب ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آموزش برای عموم مردم صرف نظر از جنسیت، رنگ، نژاد و مذهب به رسمیت شناخته شده است - آموزش عالی باید با شرایط مساوی برای همه فراهم باشد تا افراد بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در قانون اساسی ایران نیز در اصل سی‌ام، بند سوم؛ اصل سوم و اصل نوزدهم و هم‌چنین در سیاست‌های کلی علم و فناوری مقام معظم رهبری بر حقوق ملت در خصوص دسترسی همگان به فرصت‌های آموزشی تأکید شده است. ۲) دلایل اقتصادی: آموزش عالی تقریباً در تمام شاخص‌های دانایی و ایجاد تحولات ساختاری نقش محوری و تعیین کننده دارد، افزایش دسترسی آحاد مردم به آن می‌تواند پایه گسترده‌ای از متخصصان و فرهیختگان را در جهت تحقق توسعه فراهم نماید. ۳) دلایل عدالتخواهانه: تحصیلات در سطوح عالی مطمئن‌ترین راهی است که آنان را قادر می‌سازد تا در شرایط برابر به عنوان یک شهروند مشارکت‌جو ورود خود را به عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی اعلام کنند، آموزش عالی به مثابه یک بالابر اجتماعی، اصلی‌ترین وسیله ارتقاء و تحرک اجتماعی قشرهای پایین جامعه یا گروه‌های محروم است و از این رو دسترسی به آموزش عالی یکی از مهم‌ترین عوامل بهبود وضعیت عدالت در جامعه محسوب می‌شود. ۴) پاسخ به تقاضای اجتماعی: طبیعی‌ترین عامل افزایش متقاضیان ورود به آموزش عالی رشد جمعیت است. هنگامی که جریان گسترش امکانات آموزشی آغاز شد؛ دیگر در نیمه راه امکان متوقف کردن آن وجود ندارد. زمانی که آموزش ابتدایی

عمومیت می‌یابد، توسعه آموزش متوسطه اجتناب‌ناپذیر می‌شود و به همین ترتیب، در پی توسعه آموزش متوسطه، بسط و گسترش آموزش عالی قطعی است (روشن، ۱۳۸۹). بطور کلی از آنجا که تحرک اجتماعی و تغییر جایگاه اجتماعی - اقتصادی در ایران منوط به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی است، داوطلبان کنکور با امید کسب موقعیت و جایگاه قابل‌احترام و بهره‌مندی از مزایای اقتصادی تحصیلات عالی و بسیاری از انگیزه‌های دیگر^۱، اشتیاق فراوانی به حضور در دانشگاه از خود نشان می‌دهند؛ اما برای ورود به دانشگاه باید از فیلتر کنکور عبور کنند. در واقع کنکور مهم‌ترین و اصلی‌ترین دروازه ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌ویژه دانشگاه‌های برتر و رشته‌های خاص محسوب می‌شود.

در طول حیات آموزش عالی، دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف شیوه‌های گوناگونی را برای پذیرش دانشجو بکار برده‌اند، از جمله:

الف- شیوه برگزاری آزمون ورودی: بسیاری از کشورها به دلیل افزایش داوطلبان برای ورود به دانشگاه‌ها، ناگزیر به منظور حذف تعداد مازاد بر ظرفیت که بعضی آن را «انتخاب بهترین‌ها» می‌نامند، آزمون برگزار می‌کنند. این آزمون می‌تواند به صورت متمرکز (سراسری) یا به صورت غیرمتمرکز (راساً توسط دانشگاه) و یا تلفیقی از هر دو صورت (نیمه‌متمرکز) انجام پذیرد (نیک‌نژاد، ۱۳۸۱).

ب- شیوه بدون آزمون: پذیرش دانشجو بدون آزمون ورودی بر اساس بررسی سوابق تحصیلی دوران متوسطه یا بدون در نظر گرفتن سوابق صورت می‌پذیرد (مانند کانادا، آمریکا، امارات، کویت و ...)

ج- سایر شیوه‌ها: در برخی از کشورها پذیرش به شیوه‌ای دیگر نیز انجام می‌پذیرد، از جمله؛

- آزمون هوش و استعداد تحصیلی، نمره آیلتس، تافل، دیپلم متوسطه (مانند انگلستان، سوئد، ارمنستان و ...)

- امتحان مقدماتی عالی، امتحان تجاری عالی، امتحان فنی عالی و داشتن دیپلم متوسطه (دانمارک)

- شرکت در امتحانات تخصص و داشتن دیپلم متوسطه (فرانسه) (قلی‌پور و وثوقی نیری، ۱۳۹۳).

بطور کلی، الگوهای مختلفی جهت پذیرش دانشجو در کشورهای مختلف رایج است. لذا در جدول زیر به برخی از مرسوم‌ترین آنها اشاره شده است.

جدول ۱. انواع الگوی پذیرش دانشجو در جهان (مأخذ یافته‌های پژوهش)

نوع اول: امتحانات پایان دبیرستان

اتریش، فرانسه، ایرلند، مصر

فقط نتایج آزمون ملی

۱. انگیزه منزلت خانوادگی، انگیزه علمی، انگیزه اجتماعی - فرهنگی، انگیزه سیاسی و ...

تایچ آزمون ملی و عملکرد علمی دوره متوسطه	تانزانی
نتایج آزمون ملی و شرح حال	انگلستان
نمره امتحانات منطقه‌ای/ دولتی، همچنین عملکرد علمی دوره متوسطه	استرالیا
نوع دوم: امتحانات ورودی	
نتایج آزمون ملی	چین، گرجستان
نتایج آزمون ملی و آزمون مؤسسه‌ها	ژاپن
نتایج آزمون ملی و عملکرد تحصیلی دوره متوسطه	ترکیه، اسپانیا
فقط نمرات آزمون مؤسسه‌ها	آرژانتین، پاراگوئه
نمرات آزمون مؤسسه‌ها و عملکرد علمی دوره متوسطه	بلغارستان، صربستان
نوع سوم: آزمون‌های استاندارد شایستگی (استعداد و توانایی)	
نمرات آزمون توانمندی استاندارد یا عملکرد تحصیلی مدارس متوسطه	سوئیس
نمرات آزمون توانمندی استاندارد و سوابق	آمریکا
نوع چهارم: امتحانات چندگانه	
نتایج آزمون ورودی ملی و نمرات آزمون ورودی مؤسسه‌ها	ژاپن، روسیه، فرانسه
نتایج آزمون ورودی ملی و نمرات آزمون ورودی مؤسسه‌ها و عملکرد علمی دبیرستان	برزیل
نتایج آزمون ملی پایان دبیرستان و نمرات آزمون ورودی مؤسسه‌ها	فنلاند
چندین امتحان توسط چندین نهاد	هندوستان
نوع پنجم: بدون امتحان	
عملکرد علمی دوره دبیرستان	کانادا، نروژ
سوابق درخواست بدون نمره امتحان	برخی از مؤسسه‌ها آمریکا

علاوه بر تنوع و تفاوت در شیوه‌های پذیرش دانشجو در کشورهای مختلف، شیوه‌های سنجش دانشجو نیز متفاوت و متعدد است. بدین ترتیب در جدول زیر نحوه سنجش و پذیرش دانشجو در برخی از کشورها اشاره شده است.

جدول ۲. شیوه‌گزینش دانشجو در برخی از کشورها (مأخذ یافته‌های پژوهش)

کشور	شیوه / نحوه‌گزینش دانشجو
ژاپن	۱- عدم تمرکز در گزینش دانشجو و واگذاری اختیار پذیرش به دانشگاه‌ها
رقابتی	۲- تعیین تعداد پذیرش سالانه هر دانشکده یا دانشگاه توسط همان مؤسسه آموزش عالی

۳- برگزاری آزمون توسط دانشگاه		
۱- مشخص بودن رسالت‌های آموزشی دانشگاه‌ها و کالج‌های منطقه‌ای		
۲- استفاده از شیوه‌گزینش دانشجو در سطح گروه یا دانشکده		
۳- تعیین کیفیت مؤسسات آموزش عالی تحت عنوان کالج از طریق میزان موفقیت‌های فارغ‌التحصیلان (بازدهی سیستم آموزش عالی)	آزاد	کانادا
۴- برگزاری آزمون در برخی از دانشگاه‌ها		
۱- عمومی نبودن اجرای سیاست‌گزینش در تمام دانشگاه‌ها - شیوه متفاوت در هر دانشکده و اجرای آزمون در برخی از دانشگاه‌ها	آزاد-گزینشی	امریکا
۲- اهمیت دادن به علایق و فعالیت‌های فوق برنامه، علاوه بر نمرات تحصیلی و آزمون‌ها در پذیرش دانشجو		
۳- دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو حد نصابی برای نمرات درسی در نظر می‌گیرند.		
۱- اهمیت داشتن زمینه اشتغال در تعیین تعداد دانشجویان و رشته‌ها در هر سال	رقابتی	امارات
۲- پررنگ بودن نقش دانشگاه‌ها در گزینش دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و بالاتر		
۱- رشد کمی متقاضیان سبب اجرای سیاست‌گزینش دانشجو شده است		
۲- تعداد پذیرفته‌شدگان به‌طور متمرکز تعیین می‌شود و به شکل غیرمتمرکز آموزش می‌بینند		
۳- دانشگاه‌ها در تدوین برنامه‌های دوره‌های دکترا مشارکت می‌کنند	آزاد-گزینشی	ایتالیا
۴- حرفه‌آموزی دانشجویان اهمیت دارد.		
۵- برخی از دانشگاه‌ها آزمون استعداد تحصیلی می‌گیرند.		
آزمون سراسری- دانشگاه‌ها سطح اختیار بسیار پایینی در گزینش دانشجو دارند.	رقابتی	ایران

همانگونه که عنوان شد قبولی در کنکور سراسری از اصلی‌ترین شرط کسب صلاحیت در ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بویژه در رشته‌ها و دانشگاه‌های خاص و برتر می‌باشد. اما نتایج مطالعات و بررسی‌ها حاکی از آن است که کنکور با توجه به وضعیت فعلی آن دارای مسائل و مشکلات فراوان اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، روان‌شناختی، آموزشی، فنی و روشی و مالی و اقتصادی بوده و پیامدهای منفی و ناخوشایندی را در حوزه‌های مختلف نظام آموزش عمومی و نظام آموزش عالی در پی داشته است (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴). بعلاوه حساسیت ویژه و نقش تعیین‌کننده‌ای که آزمون سراسری در ایجاد فرصت‌ها و ارتقای شغلی دارد، عواقب ناخواسته این آزمون‌ها به مراتب بیشتر خواهد بود. و کنکور را در جامعه ما تبدیل به یک پدیده اجتماعی و یکی از مهم‌ترین رخدادها، مسائل و چالش‌ها در نظام آموزشی و معضلی جدی در سطح جامعه تبدیل کرده است. در همین راستا در طول سال‌های گذشته در مطالعات و پژوهش‌های مختلف ضمن توصیف و ترسیم وضعیت نامطلوب نظام فعلی پذیرش دانشجو و اشاره به پیامدهای منفی و تا حدودی مخرب این نظام، تغییر وضعیت موجود را حتمی دانسته، و راهکارهای ذیل را جهت بهینه‌سازی نظام سنجش و پذیرش دانشجو در کشور پیشنهاد داده‌اند:

- جدایی فرایند سنجش از پذیرش دانشجو
 - لحاظ کردن سوابق تحصیلی دانش‌آموزان به عنوان یکی از ملاک‌های پذیرش داوطلبان جهت ورود به دانشگاه-ها
 - اتخاذ تدابیری جهت کاهش تقاضای آموزش عالی از طریق توسعه مؤسسات آموزش عالی علمی- کاربردی
 - مبنا قرار دادن دروس اختصاصی و دروس عمومی دوره متوسطه در پذیرش دانشجو
 - در نظر گرفتن زمینه‌های خلاقیت، کارآفرینی، ابداع و کارهای علمی دانش‌آموزان
 - استفاده از آزمون‌های تشریحی در سنجش
 - توجه به نقش و ایفای واقعی نظام آموزش و پرورش در سنجش و پذیرش دانشجو
 - توجه به عملکرد سازمان سنجش به عنوان حلقه ارتباطی بین دو نظام فوق و نه به عنوان اصلی‌ترین عامل
 - شناسایی و پرورش استعدادها با رویکرد عدالت و اجرای آمایش سرزمین (آمایش آموزش عالی) در سنجش و پذیرش دانشجو
 - کاهش تدریجی متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها با ایجاد سازوکارهای تشویقی جهت ورود دانش‌آموزان به رشته-های فنی و حرفه‌ای
 - ایفای نقش بیشتر دانشگاه‌ها در پذیرش داوطلبان و استقلال دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴).
- با توجه اهمیت سنجش و پذیرش دانشجو در ابعاد مختلف توسعه علم و فناوری و تاثیر آن بر عملکرد نظام آموزش (عمومی و عالی) پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد.
- ۱) معیارهای سنجش و پذیرش دانشجو در سایر کشورها کدامند؟
 - ۲) وضعیت آزمون ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سایر کشورها در ابعادی مانند تمرکز یا عدم تمرکز، متولی تعیین ظرفیت دانشجو، متولی برگزاری آزمون، نوع و سطح دخالت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در پذیرش، نوع سنجش و نوع پذیرش، تعداد دفعات برگزاری آزمون و نوع آزمون چگونه است؟
 - ۳) آسیب‌ها و چالش‌های فعلی نظام سنجش و پذیرش دانشجو در ایران کدامند؟
 - ۴) راهکارهای اجرایی جهت بهبود و اصلاح مدل فعلی نظام سنجش و پذیرش دانشجو کدامند؟
 - ۵) آیا امکان اجرای الگوی پیشنهادی وجود دارد (امکان سنجی الگوی پیشنهادی (الگوی کالج)) نقاط قوت (مزایا) و ضعف (معایب) روش فوق چیست؟ راهکارهای اجرایی‌سازی آن کدامند؟

روش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت و هدف آن جزء پژوهش‌های کاربردی و نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی و توصیفی - تحلیلی است که به روش کیفی انجام شده است. پژوهش حاضر دارای سه بخش اصلی است: الف) مطالعه تطبیقی و بررسی شیوه سنجش و پذیرش دانشجویان در ابعاد مختلف در سایر کشورها (ترکیه، ژاپن، انگلستان، آمریکا، فرانسه، ایرن و فنلاند)، ب) مطالعه میدانی و بررسی وضعیت موجود سنجش و پذیرش دانشجویان از منظر آسیب‌شناسی و احصای راهکار (جانشین / مکمل) در جهت بهینه‌سازی روش سنجش و پذیرش دانشجویان در کشور از دیدگاه صاحب‌نظران، و ج) بررسی الگوهای پیشنهادی از ابعاد مختلف مانند نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، مزایا و معایب و الزامات آن از دیدگاه صاحب‌نظران.

روش پژوهش در بخش مطالعه تطبیقی (بررسی وضعیت سنجش و پذیرش دانشجویان در کشورهای منتخب)، روش کیفی با رویکرد تحقیق تطبیقی است. در روش تطبیقی هدف اصلی تبیین واقعیت‌های کلان است (هانترایس، ۲۰۰۹). در همین راستا در پژوهش حاضر به منظور درک، توصیف و تبیین وضعیت موجود شیوه‌های سنجش و پذیرش دانشجویان در سایر کشورها از روش پژوهش تطبیقی استفاده شده است. به این ترتیب، وضعیت شیوه‌های سنجش و پذیرش دانشجویان و میزان مشابهت‌ها و تفاوت آنها بر اساس معیارها و شاخص‌های مختلف در سنجش و پذیرش مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

رویکرد پژوهش در بخش دوم و احصا و بازشناسی مسائل و چالش‌های شیوه فعلی سنجش و پذیرش در کشور و راهکارهایی جهت مقابله با چالش‌ها و مدیریت مسائل مورد نظر و امکان‌سنجی اولیه الگوی پیشنهادی، روش کیفی بوده است که با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (خبرگان و صاحب‌نظران علمی - اجرایی در حوزه کنکور) انجام شده است.

جامعه آماری در مرحله اول پژوهش و در بخش مطالعه تطبیقی عبارت است از: منابع معتبر و قابل استناد علمی شامل کلیه اسناد، مدارک، متون علمی مرتبط و قابل استناد، کتب، نشریات، پایان‌نامه‌ها، مقالات، طرح‌های پژوهشی، اسناد بالادستی و همچنین گزارش‌های معتبر در دسترس در ارتباط با نظام آموزشی و شیوه‌های سنجش و پذیرش دانشجویان در کشورهای هدف بوده است که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند.

در مرحله بعدی به منظور استخراج و احصاء دیدگاه‌های صاحب‌نظران علمی و اجرایی در این حوزه، مشارکت‌کنندگان شامل افراد صاحب تجربه زیسته در این زمینه، محققین، متخصصین، سیاستگذاران و تصمیم‌گیران در سطح کلان نظام آموزش و موثر در پذیرش دانشجویان هم‌چون صاحب‌نظران علمی - اجرایی - اساتید دانشگاه و مجریان در سازمان‌های متولی و درگیر در امر سنجش و پذیرش دانشجویان می‌باشند که دارای تألیفات و تحقیقات علمی معتبر مرتبط، دانش، تخصص و یا تجربیات عمیق علمی - فنی و یا علمی - تجربی (اجرایی - دارا بودن تجربیات اجرایی مؤثر، مرتبط و نیز مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گزینش و پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی) مرتبط بوده‌اند. که

به روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و با استفاده از روش گلوله برفی^۲ انجام شده است. مشخصات مشارکت‌کنندگان در بخش دوم در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۳. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی (مصاحبه) (مآخذ یافته‌های پژوهش)

ردیف	متخصصین و نهادهای متبوع ایشان	تعداد	ردیف	متخصصین و نهادهای متبوع ایشان	تعداد
۱	پژوهشگران و اعضای هیئت علمی دارای تألیفات علمی در حوزه مورد نظر	۴	۸	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱
۲	وزارت آموزش و پرورش	۲	۹	مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی	۱
۳	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۲	۱۰	بنیاد علمی نخبگان	۱
۴	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱	۱۱	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	۳
۵	سازمان سنجش کشور	۴	۱۲	مدارس ویژه مانند انرژی اتمی	۱
۶	سازمان سنجش و آموزش پزشکی	۱	۱۳	سازمان‌های ارائه‌کننده خدمات کمک آموزشی (قلم‌چی و ...)	۱
۷	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش	۱	۱۴	سازمان فنی و حرفه‌ای کشور	۱

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، با توجه به هدف پژوهش و سؤالات مربوطه و نوع داده‌های کیفی از روش‌های آماری کیفی و مشخصاً تحلیل محتوا استفاده شده است. که با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی ای^۳ مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

پژوهش حاضر ماحصل دو مرحله مطالعات تطبیقی (مطالعات کتابخانه‌ای) و بررسی میدانی (مصاحبه با خبرگان) است. و درصدد پاسخگویی به چهار سؤال اصلی بوده است. یافته‌های حاصل از نتایج پژوهش حاضر در طی دو مرحله مذکور در این قسمت ارائه شده است.

سوال ۱- معیارها / الگوی پذیرش دانشجو در سایر کشورها (کشورهای منتخب) چیست؟

۱. به افرادی مراجعه می‌شود تا هدف پژوهش تحقق یابد. افرادی که بصورت مستقیم در تصمیم‌گیری مالی نقش دارند و افرادی با تخصص حرفه‌ای [انجام کارهای پژوهشی علمی در این حوزه] و سابقه اجرایی [انجام کارهای مالی] در این زمینه هستند

۲. مشخص کردن افرادی که از نظر افراد انتخاب شده واجد شرایط بوده و دارای اطلاعات ذی‌قیمتی می‌باشند.

برای دسته‌بندی سیستم‌های مختلف پذیرش در دنیا، عوامل اصلی مؤثر شناسایی شدند. این عوامل عبارتند از: آزمون‌ها، آمادگی دوره دوم دبیرستان، منابع یا مواد ضمیمه، و عوامل جمعیت‌شناختی. شرح تفصیلی مورد مذکور در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۴. معیارهای الگوی پذیرش دانشجو در سایر کشورها بر اساس نتایج حاصل از بررسی مطالعه تطبیقی

معیار	توضیحات
آزمون-ها	<p>نمره داوطلبان حاصل از آزمون یا آزمون‌هایی است که معمولاً دولت یا نهاد (سازمان) خاصی برگزار می‌کنند، و در این مدل، پیشرفت تحصیلی داوطلبان سنجیده می‌شود. این آزمون‌ها شامل موضوعات متنوعی هستند که دانش‌آموز با توجه به رشته‌ای که تحصیل می‌کند و یا رشته مورد علاقه خود، به سؤالات حول موضوع خاصی، پاسخ می‌دهد. یکی از روش‌های نوع ۱، پذیرش صرفاً بر اساس نمره آزمون-های پایان دوره دوم است. در روش دیگر، ترکیبی از عوامل فوق‌الذکر نیز ممکن است سنجیده شود؛ مثل معدل دوره دوم متوسطه.</p> <ul style="list-style-type: none"> • <u>نمره آزمون کشوری:</u> <p>نوع ۱: آزمون‌های پایان دوره دوم</p> <p>فرانسه: کسب حداقل ۵۰٪ از نمره آزمون بچلوره^۱، می‌تواند موجبات حضور در اکثر دانشگاه‌ها را فراهم نماید. البته لازم به ذکر است که برای ورود به برخی از دانشگاه‌ها، شرکت در آزمون‌های بیشتری نیاز است (مدارس عالی).</p> <ul style="list-style-type: none"> • <u>نمره آزمون کشوری بعلاوه عملکرد تحصیلی دوره متوسطه</u> • <u>نمره آزمون کشوری بعلاوه سوابق تحصیلی</u> <p>انگلستان: آزمون دوره دوم تحصیل (به نام A-Level) ملاک اصلی پذیرش در دانشگاه است. نهاد مرکزی به نام «خدمات پذیرش کالج و دانشگاه آ» وجود دارد که داوطلبان سوابق علمی، شغلی، اظهاریه شخصی و نامه ارجاع^۲ را به همراه پنج برنامه (رشته محل) به این نهاد تحویل می‌دهند. این نهاد درخواست-ها را به مؤسسات آموزش مربوط ارائه می‌دهد و مؤسسات تصمیم می‌گیرند که به کدام داوطلب نیاز دارند.</p>
نوع ۲: آزمون‌های ورودی	<p>این نوع آزمون‌ها نیز مانند آزمون‌های پایان دوره دوم به صورت ملی یا منطقه‌ای توسط دولت برگزار می‌شود. رویه‌ها نیز به صورت مرکزی هدایت می‌شود. در برخی سیستم‌ها اداره این رویه‌ها بر عهده سازمانی غیردولتی است. این نوع آزمون‌ها نیز دانش اکتساب شده داوطلب‌ها را سنجش می‌کنند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • <u>نمره آزمون ورودی</u> • <u>نمره آزمون ورودی بعلاوه عملکرد تحصیلی دوره متوسطه</u> <p>ترکیه: آزمون ورودی ترکیه^۴ توسط مرکز انتخاب و جایابی دانش‌آموزان^۵ برنامه‌ریزی آموزش دانشگاه و تعداد دانشجویان به صورت مرکزی انجام می‌شود. نمره این آزمون با معدل دبیرستان داوطلب ترکیب</p>

1. baccalauréat
2. The Universities and Colleges Admissions Service
3. Reference letter
4. Öğrenci Seçme Sınavı
5. Öğrenci Seçme ve Yerleştirme Merkezi

معیار	توضیحات
<p>می‌شود. در صورتی که دانش‌آموز در همان رشته دبیرستان، خواهان ادامه تحصیل باشد، نمره دبیرستان وزن بیشتری می‌گیرد.</p>	<p>این آزمون‌ها بیشتر برای اندازه‌گیری توانایی‌های شناختی افراد طراحی شده‌اند. معمولاً با دیگر معیارهایی که داوطلبان از قبل کسب کرده‌اند ترکیب می‌شوند.</p>
<p>نوع ۳: آزمون‌های استعداد استاندارد</p>	<p>• <u>نمره آزمون استعداد استاندارد</u></p> <p>سوئد: سوئد به عنوان یک استثناء از آزمون استعداد استاندارد استفاده می‌کند که توسط آژانس ملی آموزش عالی اداره می‌شود. پذیرش ممکن است بر اساس نمره داوطلب در آزمون استعداد تحصیلی سوئدی^۱ یا نمره‌های دوره دبیرستان باشد. حداقل یک سوم ظرفیت دانشگاه‌ها باید توسط آزمون استعداد تحصیلی سوئدی و حداقل یک سوم بر اساس نمره‌های دبیرستان در برنامه دانشگاه‌ها تخصیص داده شده باشد. مؤسسات آموزش عالی ممکن است نیازمندی‌های دیگری برای رشته محل‌های مشخص اضافه کنند، اما تعداد پذیرفته‌شدگان در این روش نباید بیش از ۱۰٪ کل رشته محل‌های ارائه شده مؤسسه در آن سال باشد.</p>
<p>ایالات متحده: محتوا و وزن سوابق توسط هر مؤسسه تعیین می‌شود. بیشتر مؤسسات عملکرد داوطلبان را بر اساس آزمون استعداد استاندارد^۲ یا آزمون کالج آمریکا^۳ می‌سنجند. عملکرد در دوره متوسطه عامل کلیدی است و بسیاری مؤسسات خاص نیازمند منابع ضمیمه قابل توجهی شامل مقالات، توصیه‌نامه‌ها، مصاحبه‌ها و غیره می‌باشند. عوامل جمعیت‌شناختی و فعالیت‌های فوق برنامه نیز عموماً در نظر گرفته می‌شوند.</p>	<p>• <u>نمره آزمون استعداد استاندارد بعلاوه سوابق تحصیلی</u></p>
<p>نوع ۴: آزمون‌های چندگانه</p>	<p>در این نوع سیستم پذیرش، عملکرد پایان دوره متوسطه یا آزمون‌های ورودی در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، عملکرد در یک یا چند آزمون مجزا، ممکن است توسط دولت، مؤسسه آموزشی مربوطه یا سازمان‌های وابسته اداره شود.</p> <p>• <u>نمره آزمون ورودی ملی بعلاوه ورودی مؤسسه</u></p> <p>ژاپن: آزمون ورودی ملی در پنج الی هفت ماده موضوعی برای ورود داوطلبان به دانشگاه برگزار می‌شود. نمره این آزمون برای مؤسساتی که داوطلب در آنها واجد شرایط شده، فرستاده می‌شود؛ مؤسسات رتبه‌بندی شده‌اند تا به این وسیله داوطلبان حائز نمرات بالاتر به مؤسسات معتبرتر هدایت شوند. سپس داوطلبان در آزمون بعدی شرکت می‌کنند که توسط هر مؤسسه اداره می‌شود. پذیرش بر اساس ترکیبی از نمرات آزمون ملی و آزمون مؤسسات هست؛ که هر مؤسسه وزن هر آزمون را جداگانه مشخص می‌کند.</p> <p>فرانسه: (مدارس عالی): دانش‌آموزانی که آزمون بچلوره را پاس کردند، دسترسی آزاد به بیشتر مؤسسات دوره سوم تحصیل را دارند. اما در مدارس عالی، داوطلبان باید در آزمون‌های ورودی که توسط مؤسسات اداره می‌شوند، شرکت کنند. این آزمون‌ها پس از دو سال مطالعه در کلاس‌های انتخابی مقدماتی توسط مدارس عادی یا مدارس عالی برگزار می‌شود.</p>

1. Swedish Scholastic Aptitude Test
2. Standard Aptitude Test
3. American College Testing

معیار	توضیحات
	<ul style="list-style-type: none">• <u>نمره آزمون ورودی ملی، بعلاوه نمرات ورودی مؤسسه و یا عملکرد دوره دوم</u>• <u>نمرات دوره دوم متوسطه، بعلاوه نمرات ورودی مؤسسه</u> <p>فنلاند: دانش‌آموزان در آزمون نام‌نویسی دانشگاه^۱ برای گرفتن دیپلم در فنلاند شرکت می‌کنند. دانشگاه‌ها هم‌چنین آزمون ورودی خود را دارند که خاص رشته محل است. پذیرش عموماً بر اساس هر دو روش است اما تعداد محدودی از رشته محل‌ها صرفاً با نمرات آزمون ورودی سنجیده می‌شود.</p> <ul style="list-style-type: none">• <u>نمرات دوره دوم متوسطه، بعلاوه نمرات آزمون استعداد استاندارد</u>• <u>چندین آزمون با اداره توسط چندین سازمان</u>
	<p>سیستم‌هایی که آزمون برگزار نمی‌کنند به شدت وابسته به عملکرد تحصیلی دوره دوم متوسطه هستند. روندهای پذیرش بدون آزمون برای اولین بار توسط بخش خصوصی در آمریکا شروع شد.</p> <ul style="list-style-type: none">• <u>عملکرد دوره دوم متوسطه</u> <p>نروژ: فرایند پذیرش دانشگاه‌ها توسط سرویس پذیرش دانشگاه‌ها و کالج‌های نروژ که سازمانی دولتی است، صورت می‌پذیرد. داوطلبان تا ۱۰ رشته را به ترتیب اولویت انتخاب می‌کنند. نمرات کتبی آن‌ها بر اساس عملکرد دوره دوم متوسطه بعلاوه نمره اضافی در برخی رشته‌های مشخص، متغیرهای جمعیت شناختی، و سابقه فعالیت نظامی شناسایی می‌شود. داوطلبان به طور خودکار به رشته مورد نظر بر اساس اولویت منطبق می‌شوند.</p> <ul style="list-style-type: none">• <u>سوابق تحصیلی بدون نیاز به نمرات آزمون</u> <p>برخی مؤسسات ایالات متحده: در صدها مؤسسه در ایالات متحده برای ورود به دوره کارشناسی به شرکت در آزمون‌های استاندارد احتیاج نمی‌باشد. این مؤسسات تنها در صورتی آزمون را مدنظر قرار می‌دهند که حداقل معدل را داوطلب کسب نکرده باشد. همچنین مؤسسات خصوصی هنرهای آزاد، پذیرش را از طریق سوابق شامل نمرات دبیرستان، فعالیت‌های فوق برنامه، مقالات، توصیه‌نامه‌ها و مصاحبه‌ها نمرات آزمون تنها در صورتی که داوطلب بخواهد اضافه می‌شود.</p>

نوع ۵: بدون آزمون

تحصیلی،	به مصاحبه،	کلاسی،	کسب‌شده در	مصاحبه و	دانشگاه،
آزمون‌های	پذیرش بر	توصیه‌نامه -	دو سال پایانی	معاینه پزشکی	پیشینه
علمی، آزمون-	اساس	معلم، توصیه-	دوره دوم	در برخی رشته-	تحصیلی
های کاربردی،	صلاحیت‌های	نامه مشاور،	متوسطه،	های خاص	دانش‌آموزان،
خودارزیابی	آموزش حرفه-	آزمون‌های	گذراندن دوره	متناسب با	
داوطلب،	ای، آزمون	موضوعی،	دوساله‌ی	رشته‌ها و	
توصیه‌نامه	استعداد	مصاحبه،	آمادگی، قبولی	نیاز خود	
	تحصیلی در	فعالیت‌های	در آزمون	آزمون‌های	
	نگارش در	فوق‌برنامه،	ورودی	اختصاصی و	
	دانشگاه‌های	پوشه کاری،		برگزاری	
	برتر همچون	نمرات استعداد		مصاحبه‌های	
	آکسفورد،	تحصیلی،		تخصصی و	
	سوابق	آزمون‌های		عمومی	
	داوطلبان در	ایالتی، سابقه			
	تحصیلات	کار			
	متوسطه				

همانگونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود وضعیت سنجش و پذیرش دانشجویان در کشورهای مختلف از منظر شاخص‌ها و معیارهای دخیل در ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی متفاوت است. و کشورهای مختلف با توجه به وضعیت اقتصادی-اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ساختار آموزشی و ... از الگوها و ابزارهای خاصی استفاده می‌کنند. هم‌چنین آزمون ورودی یکی از معیارهای اصلی ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی محسوب می‌شود. اما از نظر کمیت و کیفیت این آزمون و همچنین سایر عوامل مرتبط تاثیرگذار و مکمل آن تفاوت چشم‌گیری بین کشورها وجود دارد.

سوال ۳- آسیب‌ها و چالش‌های فعلی نظام سنجش و پذیرش دانشجو در ایران کدامند؟

بر اساس تحلیل نظرات خبرگان، آسیب‌های الگوی فعلی نظام سنجش و پذیرش دانشجو در سه محور قابل بررسی و ارزیابی است: الف- آسیب‌های ناشی از فضای نظام آموزشی در دوران قبل از کنکور، ب- فضای حاکم بر آزمون سراسری، و ج- شرایط حاکم بر کنکور داوطلبان. شرح تفصیلی حاصل از یافته‌های مصاحبه با خبرگان در ارتباط با سؤال مذکور در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۶. آسیب‌ها و چالش‌های الگوی فعلی نظام سنجش و پذیرش در کشور از منظر خبرگان و صاحب‌نظران

ردیف	آسیب‌های فعلی الگوی سنجش و پذیرش دانشجو
	مقوله‌ای استخراج شده حاصل از تحلیل نظرات صاحب‌نظران و خبرگان

۱) زمانبر بودن هدایت تحصیلی صحیح، ۲) فقدان اطلاعات کافی و عدم هوشمندی هدایت تحصیلی، ۳) افزایش نابرابری‌های ناشی از تنوع مدارس (اعم از مدارس ویژه و تیزهوشان و ... در مقابل مدارس عادی)، ۴) در نظر نگرفتن علایق، جبر اجتماعی، اقتصادی و حتی خانوادگی در هدایت تحصیلی، ۵) نمره‌گذاری کمی در مدارس، ۶) خطا در ارزیابی و تأثیر در معدل، ۷) ترویج مؤسسات کنکوری، ۸) دوگانگی ارزیابی در کنکور و مدرسه، ۹) ازبین رفتن نظام مهارتی، ۱۰) نداشتن اطلس مشاغل ملی و بین‌المللی و در نتیجه تقاضای زیاد برای برخی از رشته‌ها در عین عدم علاقه‌مندی به برخی از رشته‌های دیگر، ۱۱) عدم شفافیت صلاحیت‌های شغلی، ۱۲) نگاه بالا به پایین به هنرستان‌ها، ۱۳) کنکور مانعی برای آموزش مهارتی، ۱۴) بی‌توجهی به رشته‌های علوم پایه، ۱۵) ضعف شخصیتی دانش‌آموزان، ۱۶) انتظارات خانواده‌ها، ۱۷) تبدیل شدن مدرک به مثابه جایگاه اجتماعی در بین مردم، ۱۸) دخالت عامل انسانی در سوابق تحصیلی، ۱۹) تأکید معلمان به آموزش تست زنی، ۲۰) کنکور مانع فعالیت‌های تربیتی، ۲۱) جدا بودن آموزش و پرورش و آموزش عالی، ۲۲) عدم مدیریت تقاضا، ۲۳) تضاد طبقاتی مؤثر در تقاضا

آسیب‌های ناشی از فضای نظام آموزشی در دوران قبل از کنکور

۱

۱) جبر اجتماعی، اقتصادی و حتی خانوادگی در هدایت تحصیلی، ۲) در نظر نگرفتن علایق و توانمندی دانش‌آموزان/ دانشجویان، ۳) نقش نداشتن و عدم مشارکت دانشگاه در پذیرش، ۴) تضعیف استقلال دانشگاه، ۵) عدم آموزش مهارتی متناسب با بازار کار، ۶) عدم پرورش کارآفرین، ۷) رشد افراد تک بعدی

فضای حاکم بر آزمون سراسری

۲

۱) عدم سنجش صحیح، ۲) محتوای سنگین آزمون، ۳) تمرکز بر سنجش دانش، ۴) استرس در سنجش، ۵) زمان محدود در کنکور، ۶) سؤالات تستی و دانشی، ۷) سنجش سطحی، ۸) رقابت شدید، ۹) دوگانگی ارزیابی در کنکور و مدرسه، ۱۰) تفاوت درصدهای کنکور با نمرات متوسطه، ۱۱) نسنجیدن سطوح شناختی، ۱۲) تک بعدی بودن نظام سنجش، ۱۳) حساسیت بالای کنکور، ۱۴) نداشتن آزمون‌های استعداد سنج، ۱۵) مداخله‌گری سیاسیون کشور در روند اصلاح کنکور، ۱۶) بار (فشار) روانی اقتصادی و اجتماعی، ۱۷) گذار از نخبه‌گزینی به توده‌گرایی، ۱۸) نبود متولی برای احصاء و اجرای راه‌های بهتر، ۱۹) عدم اعتماد به سنجش دانشگاه‌ها و مؤسسات، ۲۰) عدم مدیریت تقاضا

شرایط حاکم بر کنکور داوطلبان

۳

سوال ۴- راهکارهای اجرایی جهت بهبود سنجش و پذیرش دانشجو و یا اصلاح الگوی فعلی کدامند؟

بر اساس تحلیل حاصل از نظرات و دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران راهکارهای ارائه شده بر پایه دو اصل: الف- راهکارهای جایگزین مدل فعلی، و ب- راهکارهای ارتقای عملکرد و کارایی نظام آموزش شی و هدایت تحصیلی استوار است. شرح تصیلی یافته‌های حاصل از سوال موردنظر در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول ۷. راهکارهای اجرایی جهت بهبود سنجش و پذیرش دانشجو و یا اصلاح الگوی فعلی از منظر خبرگان

راهکارهای جایگزین / مکمل الگوی فعلی سنجش و پذیرش دانشجو	زیرمقوله‌ها
۱- پذیرش توسط دانشگاه‌ها	در این روش، سنجش از پذیرش جدا شده و نقش دانشگاه‌ها در سنجش و پذیرش پررنگ‌تر می‌شود. این نقش در دانشگاه‌ها با استفاده از طیف وسیعی از راهکارها قابل اجرا شدن است. از نقش صفر تا صدی دانشگاه‌ها تا نقش مکمل آنها در سنجش و

پذیرش. برای مثال این نقش می‌تواند شامل استفاده از سوابق تحصیلی و نمرات آزمون و یا فقط از طریق سنجش سوابق تحصیلی در برخی رشته محل‌ها باشد.

امتحانات استاندارد با سؤالات تشریحی و یا صرفاً سوابق تحصیلی مورد سنجش قرار گیرد. شایان توجه است منظور از سوابق تحصیلی تنها نمره آزمون پایان سال یا دوره نیست و شخصیت‌شناسی، مهارت‌سنجی، استعدادسنجی و شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه از جمله نیز شامل می‌شود. امتحانات استاندارد از آزمون‌های استاندارد استعداد تا آزمون‌های تشریحی قابل اتکا (به این معنی که منعکس‌کننده واقعیت بوده و از میزان روایی و پایایی بالایی هم برخوردار باشد) قابل پیاده‌سازی است.

راهکارهای جایگزین

الگوی آزمون کنکور

سراسری

۲- سوابق تحصیلی

(۱) ساده‌سازی محتوایی منابع کنکور، (۲) شکسته شدن محتوای دروس دوره کارشناسی، (۳) اصلاح نظام آموزش و پرورش، (۴) درگیری حداکثری ذی‌نفعان، (۵) وزن‌دهی بیشتر نمرات آزمون‌های سوابق تحصیلی، (۶) نخبه‌سنجی دانش‌آموزان از ابتدای دوره متوسطه، (۷) منطبق نمودن نظام آموزشی بر اساس عدالت آموزشی، (۸) توسعه چارچوب صلاحیت‌های حرفه‌ای، (۹) پیدایش نهاد ملی سنجش کشور، (۱۰) اعتباردهی چند ساله به آزمون و نتایج آن.

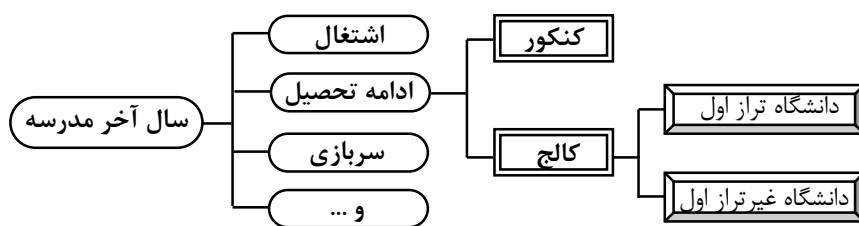
راهکارهای ارتقای عملکرد و کارایی نظام آموزشی
و هدایت تحصیلی

سوال ۵- مطالعه امکان‌سنجی و بررسی اولیه الگوی مفهومی^۱ پیشنهادی برای پیاده‌سازی سازماندهی شامل:

- نقاط ضعف (معايب / چالش) روش مذکور کدامند؟
 - نقاط قوت (مزایا) روش پیشنهادی کدامند؟
 - الزامات اجرایی جهت استقرار و پیاده‌سازی روش پیشنهادی چیست؟
- یکی از اهداف پژوهش حاضر بررسی و ارزیابی (مطالعه مکان‌سنجی اولیه) الگوی پیشنهادی تحت عنوان کالج به عنوان یکی از راهکارهای مکمل سنجش و پذیرش دانشجو بوده است. لذا در این قسمت به معرفی اجمالی این روش پرداخته می‌شود. شیوه سنجش، گزینش و پذیرش در الگوی پیشنهادی مرسوم به کالج به شرح زیر می‌باشد.
- در رشته‌هایی با متقاضی بالا، دانش‌آموزان دوره آزمایشی حداکثر دو ساله‌ای را به منزله دوره عمومی دانشگاهی طی می‌نمایند که می‌توانند در پایان سال اول، حوزه مطالعاتی خود را از میان ترکیب‌های متنوع موجود برگزینند.
 - طی این مدت دانشگاه یا مراکزی وابسته به آن دورس مرتبط با رشته مورد نظر را در قبال دریافت هزینه دوره، آموزش داده و پس از آن با ارزیابی افراد و با توجه به ظرفیت رشته فوق، نفرات برگزیده جهت گذراندن دوره اصلی تحصیلی انتخاب می‌شوند.

^۱. Concept

- نحوه رتبه‌بندی متقاضیان در هر مؤسسه بر اساس ترکیبی از عوامل علمی و غیر علمی که در پذیرش مؤثر هستند صورت می‌گیرد. در پذیرش داوطلبانی که متقاضی مراکز عالی (کالج) با «پذیرش آزاد» هستند، آزمون‌های استاندارد نقشی ندارند و همه کسانی که تقاضانامه را تکمیل کرده‌اند، پذیرش می‌شوند.
- داوطلبان می‌توانند بدون توجه به محل سکونت یا وضعیت معدل یا رتبه کنکور خود، آزادانه متقاضی پذیرش در مؤسسات دارای کالج کل کشور شوند. به این ترتیب مؤسسات آموزشی در تعیین استانداردهای پذیرش دانشجوی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن، اختیار و استقلال بالایی دارند و دخالت دولت در این امر اندک است. فرایند کلی روند پذیرش دانشجوی در الگوی پیشنهادی بصورت شکل زیر ترسیم شده است.



نتایج یافته‌های حاصل از بررسی و ارزیابی (مطالعه امکان‌سنجی اولیه) ایده الگوی مفهومی پیشنهادی که توسط صاحب‌نظران مطرح گردید در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۸. یافته‌های حاصل از نظرات خبرگان در ارتباط با الگوی مفهومی پیشنهادی

مقوله اصلی	زیرمقوله‌ها
مسائل و چالش‌های الگوی مفهومی پیشنهادی	<p>(۱) تعویق حساسیت کنکور سراسری به مدت دو سال، (۲) پیامدهای اجتماعی دریافت هزینه از داوطلبان، (۳) سنجش صلاحیت دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجو، (۴) عدم اعتماد به الگوی جدید، (۵) بازسازی برای کالج، (۶) نحوه رتبه‌بندی کالج‌ها، (۷) نیازمندی به اصلاح ساختاری، (۸) اضافه نمودن نهادی جدید، (۹) محدودیت صندلی‌ها در قبال افزایش تقاضا، (۱۰) درگیری خانواده‌ها برای ثبت‌نام.</p>
مزایای پیاده‌سازی مدل مفهومی پیشنهادی	<p>(۱) کاهش استرس کنکور سراسری، (۲) استقلال دانشگاه در پذیرش دانشجوی ارزیابی شده، (۳) کمک به استقلال مالی دانشگاه، (۴) کمک به آشناسازی اولیه داوطلبان با رشته و دانشگاه قبل از دانشجو شدن و سنجش استعداد وی در رشته محل خاص، (۵) کاهش هزینه‌های مادی و غیرمادی اشتباه در انتخاب رشته، (۶) ایجاد شرایط برای برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت تخصصی، (۷) و انتقال محل گردش مالی از مؤسسات خصوصی به کالج‌های وابسته به دانشگاه.</p>
الزامات پیاده‌سازی مدل مفهومی پیشنهادی	<p>(۱) پرداخت هزینه توسط دانشجو، (۲) ملاک قرار دادن سوابق تحصیلی به عنوان حدنصاب ورود به کالج، (۳) اجرای آزمایشی (پایلوت) طرح اجرایی در دانشگاه‌ها و رشته‌های خاص، (۴) انتخابی (اختیاری) بودن شرکت در آزمون سراسری یا دوره کالج برای داوطلبان، (۵) ساماندهی سازوکار غربالگری شرکت‌کنندگان در کالج، (۶) احتساب دوره کالج به عنوان بخشی از دوره کارشناسی، (۷) استقلال دانشگاه در پذیرش دانشجویان مبتنی بر فرایندهای شفاف نظارت‌پذیر، (۸) تدوین نظام رتبه‌بندی کالج‌های دانشگاه‌ها، (۹) انعقاد تفاهم‌نامه میان دانشگاه‌های مختلف به منظور تبادل دانشجویان کالج، (۱۰) اصلاح طرح درس^۱ با توجه به ویژگی‌های کالج، (۱۱) کمک به هدایت تحصیلی افراد حاضر در کالج از طریق اجرای دو رکن ذیل:</p>

الف- ترسیم جامع مهارت‌های لازم برای ادامه تحصیل در رشته و نیز اشتغال در آن حوزه، و تطبیق مهارت‌ها و علاقه‌مندی‌های افراد با مهارت‌های رشته و کمک به هدایت تحصیلی

ب- آموزش توانمندی‌های لازم برای ادامه تحصیل در رشته و نیز آموزش ایجاد توانایی سنجش توانمندی‌های لازم و توانمندی‌های موجود

با توجه به این که الگوی پیشنهادی یک مدل مفهومی بوده و تا اجرایی شدن نیازمند فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مدون و دقیق‌تری می‌باشد که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد بحث، بررسی و امکان‌سنجی قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عامل اصلی تولید علم و فناوری و رشد و توسعه همه‌جانبه هر کشوری محسوب می‌شوند. لذا انتخاب شایسته‌ترین و توانمندترین فرد جهت ورود به این نهاد علمی جهت گرداندن چرخ آن از اهمیت و جایگاه بسیار والایی برخوردار است. بطور کلی، در سطح جهان از معیارهای مختلفی برای سنجش و پذیرش دانشجویان جهت ورود به آموزش عالی استفاده می‌شود که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان سه نوع نظام سنجش و پذیرش دانشجو را متصور شد: الف- پذیرش رقابتی یا گزینشی، ب- پذیرش حد نصابی (یا کسب حداقل نمره تعیین شده)، و ج- پذیرش آزاد و بدون قید و شرط. نظام سنجش و پذیرش دانشجو در ایران بر اساس سیستم رقابتی یا گزینشی است که تحت عنوان کنکور (آزمون سراسری) انجام می‌گیرد.

یافته‌های حاصل از مطالعه و بررسی شش کشور (ترکیه، ژاپن، انگلستان، آمریکا، فرانسه و فنلاند) حاکی از آن است که برگزاری آزمون به عنوان یکی از معیارهای اصلی ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی محسوب می‌شود؛ اما کمیت، کیفیت، انواع و میزان تأثیرگذاری آن در مقایسه با سایر ملاک‌ها، چگونگی اجرای آن، سازمان‌های متولی و ... از کشوری به کشوری دیگر متفاوت است. نتایج بررسی تطبیقی حاصل از پژوهش حاضر حاکی از آن است:

- ساختار و نحوه مدیریت سنجش و پذیرش دانشجو از منظر میزان تمرکز مدیریتی و فرایندی بر روی یک طیف از تمرکز تا عدم تمرکز قرار دارد. اگرچه این تمرکز و عدم تمرکز نیز به صورت کاملاً مطلق نیست. به گونه‌ای که در کشوری مانند کشور ایران که تقریباً فرایندی متمرکز در سنجش و پذیرش دانشجو را دارا است و سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان متولی اصلی این امر فعالیت می‌کند، رگه‌هایی از مشارکت و مداخله دیگر ذی‌نفعان نیز دیده می‌شود. دانشگاه‌ها که در کشور ما متولی پذیرش هستند در تعیین ظرفیت دانشگاه و تراز لازم برای قبولی تأثیرگذار هستند. در نتیجه فرایند سنجش در کشور را نمی‌توان تمرکز یا عدم تمرکز مطلق نامید. در کشورهای مورد بررسی تقسیم کار در حوزه سنجش، گزینش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها متأثر از ساختار نظام آموزش و همچنین نظام سنجش، گزینش و پذیرش آن‌ها است. مثلاً در کشورهایی که از یک نظام آموزشی متمرکز استفاده می‌کنند، ساختار سنجش، گزینش و پذیرش نیز متمرکز است. برای مثال در کشورهایی همچون ایالات متحده که از یک نظام آموزشی غیرمتمرکز برخوردار است. دانشگاه‌ها نقش به سزایی در این فرایند دارند و لزوماً یک مرکز ملی برای سنجش، گزینش و پذیرش وجود ندارد و چه‌بسا این فرایند از یک

دانشگاه به یک دانشگاه دیگر و از یک ایالت به ایالت دیگر متفاوت است. درحالی‌که در کشوری مانند ترکیه و ایران این وضعیت بسیار متفاوت است و نقش دانشگاه‌ها در این فرایند تقریباً حداقلی است و این امر توسط یک سازمان و یا نهاد ملی انجام می‌شود.

- مداخله دانشگاه‌ها در کشورهای با فرایند غیرمتمرکز و توسعه‌یافته عمدتاً در تمامی فرایندهای سنجش، گزینش و پذیرش دانشجویان اتفاق می‌افتد و دانشگاه‌ها در واقع بازیگر اصلی این حوزه هستند؛ اما در کشور ما دانشگاه‌ها نقش حداقلی در پذیرش دانشجویان دارند و در واقع دانشگاه‌ها در ایران صرفاً به بیان ظرفیت و تراز مد نظر خود برای قبولی اکتفا می‌کنند که این امر نیز متأثر از تصمیمات نهادهای بالادستی است.

- در کشورهای مورد مطالعه آزمون ورودی دانشگاه‌ها تقریباً به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی ساماندهی پذیرش دانشجویان، جزء جدایی‌ناپذیر از ورود داوطلبان به دانشگاه است. به بیانی دیگر گذراندن آزمون مقدمه ورود به دانشگاه محسوب می‌شود؛ اما نکته حائز اهمیت این است که این آزمون از منظر نحوه برگزاری و کیفیت، شکل آزمون، هنجار محور/ ملاک محور بودن، محتوا، گروه‌های هدف، دوره‌های برگزاری و انواع آن از کشوری به کشوری دیگر متفاوت است. برای مثال در کشورهایی با ساختار متمرکز همچون ایران و ترکیه از این آزمون به عنوان آزمون ملی یاد می‌شود که تمامی داوطلبان برای ورود به رشته‌های پر متقاضی و مطرح دانشگاه‌ها می‌بایست از این درگاه عبور کنند. البته همین آزمون ملی در کشور ترکیه متفاوت از ایران است که به دو بخش آزمون‌های عمومی و اختصاصی تفکیک شده است و در بازه‌های زمانی متفاوت برگزار می‌شود و یکی مقدمه دیگری است که در واقع پالایش اولیه‌ای را بر روی داوطلبان ورود به دانشگاه انجام می‌دهد تا از این طریق بتوان ساماندهی بهتری را در مقوله گزینش و پذیرش به عمل آورد. در کشوری هم‌چون آمریکا نیز آزمون‌های عمومی برای ورود به دانشگاه برگزار می‌گردد و بخش عمده‌ای از دانشگاه‌ها داشتن گواهی این آزمون را مقدمه ورود به دانشگاه می‌دانند و از جمله عواملی است که در انتخاب دانشگاه از سوی داوطلبان تأثیرگذار است اما درعین حال دانشگاه‌ها نیز آزمون‌های ورودی خاص به خود را دارند که از دانشگاهی به دانشگاه دیگر متفاوت است.

- علی‌رغم اینکه در عمده کشورهای مورد مطالعه آزمون ورودی دانشگاه‌ها معمولاً از نوع ملاک محور است و افراد با یک ملاک از قبل تعیین‌شده مقایسه می‌شوند و کسب هر رتبه یا نمره‌ای به منزله مجوز ورود به دانشگاه نیست اما در مقوله گزینش دانشجویان توسط مراکز آموزش عالی و یا مرکزی که متولی این امر است، به صورت هنجاری و در نتیجه مقایسه افراد با هم اقدام به گزینش و پذیرش دانشجوی می‌کند. به این معنا که افراد در نتیجه برگزاری آزمون می‌بایست یک نمره حداقلی و یا نمره مدنظر یک دانشگاه را کسب کنند تا پس از آن وارد رقابت در مرحله گزینش شوند و نهایتاً در یک دانشگاه پذیرش شوند.

- در عمده کشورهای مورد مطالعه آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها در دوره‌های زمانی مختلف برگزار می‌شود و صرفاً محدود به یک زمان مشخص نیست و از سوی دیگر برگزاری این آزمون‌ها محدود به برگزاری یک‌بار در سال نخواهد بود و برخلاف آنچه در کشور ما اتفاق می‌افتد و کنکور یک‌بار در سال برگزار می‌شود.

- برخلاف آنچه در آزمون سراسری کشور ما اتفاق می‌افتد و آزمون‌های چندگزینه‌ای تنها نوع آزمون سنجش هستند، در دیگر کشورها سوالات تشریحی، کوتاه پاسخ و حتی سنجش مهارتی مبنای آزمون قرار می‌گیرند که این امر می‌تواند به سنجش هرچه بیشتر توانمندی‌ها کمک کند و صرفاً اتکا آزمون به حافظه محوری و تشخیص در سطح دانش و بازشناسی محدود نشود.

- برخلاف کشور ما که پذیرش دانشجو عمدتاً متکی بر نتایج آزمون سراسری و به‌ویژه نمره حاصل از آزمون کنکور است، اما در کشورهای مورد مطالعه علاوه آزمون ورودی به‌عنوان یکی از ابزارهای سنجش و پذیرش داوطلبان به آموزش عالی، از مجموعه‌ای از صلاحیت‌های عمومی و تخصصی کسب‌شده در طول دوران تحصیل نیز مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین، آنچه در این رهگذر مهم است صرفاً وجود آزمون و نبود آن نیست بلکه تفاوت‌های میان انواع، مواد، چگونگی، متولی و فلسفه آزمونی است که به عنوان ابزاری برای ساماندهی فرایند ورود به آموزش عالی محسوب می‌شود. هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاکی از تنوع در ابزارها و سازوکارهای ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است. بدین ترتیب، تنوع در ابزارها، انتخاب الگویی بهینه را آسان‌تر کرده و می‌توان الگوهایی که با وضعیت اقتصاد-اجتماعی و فرهنگی و ساختار نظام آموزشی کشور مطابقت و همخوانی دارد، انتخاب نمود و زمینه را برای ایجاد یک الگوی سنجش و پذیرش مطلوب و بهینه فراهم نمود.

در ارتباط با شیوه سنجش و پذیرش دانشجو، نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران علمی و اجرایی نشان داده است که شیوه فعلی سنجش و پذیرش دانشجو در کشور به دلیل چالش‌هایی از ناحیه: (۱) فضای نظام آموزشی در دوران قبل از کنکور، (۲) فضای حاکم بر آزمون سراسری، (۳) شرایط حاکم بر کنکور داوطلبان از کارآمدی و اثربخشی لازم برخوردار نیست و نیازمند اصلاح و بازنگری جدی است. لذا راهکارهایی مانند: الف) پذیرش توسط دانشگاه و یا دخالت و مشارکت بیشتر دانشگاه در فرایند پذیرش دانشجو، ب) توجه جدی به سوابق تحصیلی و ساماندهی دقیق آن و استفاده از سازوکارهای علمی-فنی به منظور بررسی میزان پایایی و روایی و نحوه نمره‌گذاری (ارزش‌گذاری) آن و چگونگی تأثیرگذاری آن در سنجش و پذیرش، و ج) راهکارهای ارتقای عملکرد و کارایی نظام آموزشی و هدایت تحصیلی، را برای حل چالش‌ها و مسائل موجود و مدیریت آنها در این حوزه پیشنهاد نموده‌اند. در ارتباط با الگوی پیشنهادی نیز خبرگان بر این عقیده بودند که رویکرد پیشنهادی علی‌رغم دامن زدن به مسائل و چالش‌هایی (معایب) مانند تعویق حساسیت کنکور سراسری به مدت دو سال، پیامدهای اجتماعی دریافت هزینه از داوطلبان، عدم اعتماد (عموم) به الگوی جدید و عدم پذیرش تغییر (از سوی جامعه اعم از سیاست‌گذاران و افراد)، غلبه جنبه بازاری-اقتصادی کالج بر جنبه‌های علمی-اجتماعی و فرهنگی و غیره، دارای مزایایی مانند کاهش استرس کنکور سراسری، استقلال دانشگاه در پذیرش دانشجوی ارزیابی شده، کمک به استقلال مالی دانشگاه، کاهش هزینه‌های مادی و غیرمادی اشتباه در انتخاب رشته و ... نیز می‌باشد. در همین راستا، الزاماتی مانند پرداخت هزینه توسط دانشجو، ملاک قرار گرفتن سوابق تحصیلی به عنوان حد نصاب ورود به کالج، اجرای آزمایشی طرح مذکور در دانشگاه‌ها و رشته‌های خاص، انتخابی (اختیاری) بودن شرکت در آزمون سراسری و یا دوره کالج برای داوطلبان، احتساب دوره

کالج به عنوان بخشی از دوره کارشناسی، استقلال دانشگاه در پذیرش دانشجویان در فرایندی شفاف و ... را جهت اجرای الگوی مورد نظر ضروری دانسته‌اند.

پیشنهادات

نظر به اینکه تصمیم در مورد کنکور مربوط به یک بخش از بدنه حاکمیتی نیست و از طرف دیگر تأثیر آن تنها بر بخشی از جامعه نیست، تصمیم تغییر در الگوی فعلی سنجش نشأت گرفته از نهادها و دستگاه‌های مختلف بوده و نتیجه آن نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی آحاد ملت تأثیرگذار است. لزوم همگرایی همه تأثیرگذاران (اعم از سیاست‌گذار، برنامه‌ریز، مجری، قانون‌گذار و ...) در هر تغییر کوچک و بزرگ امری بسیار حیاتی است. شایان توجه است که بسیاری از پژوهش‌های پیشین به علت عدم در نظر گرفتن بخشی خاص از پازل کنکور سراسری نتایجی غیرکاربردی را منجر شده‌اند. لذا هر تصمیم بدون در نظر گرفتن همه نهاد‌های درگیر، به مرحله اجرا نخواهد رسید یا به نتیجه قابل قبول منتج نخواهد شد. لذا پژوهش حاضر نیاز به تقسیم کار ملی مجدد و بازتعریف نقش سازمان‌ها مؤثر در کنکور را گوشزد می‌نماید. از جمله می‌توان به نقش پررنگ آموزش و پرورش و آماده نمودن دانش‌آموزان برای ورود به جامعه اشاره نمود. به این شیوه، آموزش و پرورش می‌بایست از صرف آموزش علم در دوره مدرسه و کفایت به این موضوع پرهیز نماید. به بیان دیگر وظیفه اصلی آموزش و پرورش بیش از آموزش، آماده‌سازی ورود مؤثر دانش‌آموزان به جامعه است. از طرفی دانشگاه‌ها باید دانشجویان را برای حضور و تأثیرگذاری در بدنه اقتصاد آماده سازد. نکته قابل توجه در این خصوص، لزوم سازگاری رشته‌های دانشگاهی با نیازهای آینده جامعه می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی نظیر اطلس مشاغل آینده (برای کشور به صورت جامع و یا منطقه‌ای) تعریف و اجرا شود. لذا منطقی به نظر می‌رسد که رویکرد حاکمیت در مورد مسیرهای تحصیلی شغلی، متناسب با اهداف میان‌مدت و بلندمدت کشور باشد و مطالعات دقیق در این حوزه صورت پذیرد.

در خصوص آنچه به عنوان آزمون سراسری شناخته می‌شود، پیشنهاد می‌شود به لحاظ ساختاری، میزان تمرکز زدایی بیشتر شده و آزادی عمل بیشتری به دانشگاه‌ها برای پذیرش متقاضیان داده شود.

بررسی سنجش آزمون ورودی نشان می‌دهد روند از وضعیت هنجار محور فعلی (صرف رتبه، به عنوان تنها شاخص) به ملاک محور تغییر پیدا کند. در واقع عدم علاقه و یا صلاحیت در شرایط فعلی را حتی می‌توان در کسب نمره غیر قابل قبول در اصلی‌ترین پیش‌نیازها ولی منوط به کسب نمره نهایی بالاتر (کسب رتبه با میانگین دروس مرتبط و غیرمرتبط بهتر) نشان داد.

همچنین، بازتعریف سوابق تحصیلی از شاخصی صرفاً مبتنی بر نمرات به شاخصی جامع مشتمل بر سوابق علمی، مهارتی، توانمندی‌ها، سلیق و فعالیت‌های خارج از مدرسه نام برد. این به معنی صرف استفاده از معدل دانش‌آموزان در دوره دبیرستان (چه دیپلم و چه چند سال پایانی دوره) نمی‌باشد. پژوهشگران این پژوهش معتقدند اگرچه نمره دوره دبیرستان به عنوان یک انتخاب می‌تواند تا حدودی به دقت فرایند برگزاری آزمون کمک نماید، اما آنچه حاصل از روش ذکر شده است، تنها سوابق تحصیلی که در مدل فعلی نیز آزمون می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد. لذا اضافه

شدن صرف نمرات دوره دبیرستان، سیاست‌گذار را در دام ساده‌انگاری و غفلت از مهمترین کارکردهای آزمون ورودی که شاخص جامعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود، می‌اندازد.

بنا به نیازهای جامعه آینده پیشنهاد می‌شود فرایند گزینش به صورت هنجار محور توسط دانشگاه‌ها و با نظارت سازمان متمرکز متولی انجام پذیرد.

در خصوص تعدد انجام آزمون ورودی نیز، مانند دیگر کشورها حداقل دو بار در سال آزمون برگزار شده تا مشکلات مربوطه مثل مسائل روانشناختی را کمینه نماید.

در نهایت حرکت به سمت حذف تدریجی آزمون سراسری در صورت اجرای موفق طرح جایگزین پایلوت (به طور مثال کالج) در برخی دانشگاه‌های کشور و احصاء تمامی ملزومات و زیرساخت‌ها اعم از قانونی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دیگر پیشنهادی است که می‌توان در سنجش و پذیرش دانشجویان مدنظر قرار داد.

منابع و مأخذ

Aghazadeh, A. (1998). Principles governing students Admission in Certain Progressive states. Allame Tabatabai' university

Bagherikhah, Z Arefi, M & Jamali, E. (2011). Students in Higher Education in Iran from the Perspective of Students and Public Universities in Tehran, Faculty Members of the Assessment Organization and Relevant Higher Education Officials. *Educational Measurement Quarterly*, 6 (2): 136-111. [Persian]

Ghorchian, N.G Arasteh, H.R. & Jafari, P. (2004). *Encyclopedia of Higher Education*. Tehran: Great Persian Encyclopedia Foundation, Volume 2 [Persian]

Goya, Z. (2002). Pathology of Entrance Exam in Iran. *Proceedings of the Seminar on the Methods and Problems of University Entrance Exams*, Isfahan Mathematics House. [Persian]

Haj Forosh, A. (2002). Interance Exam Injuries on High School Goals and Providing Suggestions for Eliminating Injuries. *Proceedings of the Seminar on the Methods and Problems of University Entrance Exams*, Isfahan. [Persian]

Hajforoush, H. (2002). Negative Consequences of Entrance Exams on Instructional Objectives and a Proposal for removing them. Evaluating the Issues of the Entrance Exams: *Proceedings of the Esfahan University Conference on, Esfahan University*, May.

Hantrais, L. (2009). *International Comparative Research*. New York: Palgrave

Javadani, H. (2007). Examination Ways to Increase Access to the Higher Education. Volume 1, Tehran: *Institute of Research and Planning in Higher Education*. [Persian]

Kardan, M.A. (1972). History of the Entrance Competition of Iranian Universities and Higher Education Institutions. Tehran: Journal 2, *Faculty of Educational Science*. [Persian]

Khalaghi, A. A & Hajfurosh, A. (2012) Examination the Effect of Entrance Exam on Educational Goals in the Transition from Secondary to Higher Education. *Quarterly Journal of Education*. 112: 98-67. [Persian]

Kiani, G.R. (2015). Educational Background and National Exams Alternative to the Entrance Examination-Based System: Why, What and How to Change. *Journal of Language and Translation Studies (Faculty of Literature and Humanities)*. (14): 1-26. [Persian]

Law on Assessment and Admission of Students in Universities and Higher Education of the Country. (2013) *Resolutions of the Islamic Consultative Assembly*. No. 38485/234- dated 30/06/1392. [Persian]

McNamara, T., & Roever, C. (2006). *Language Testing: The social dimension*. Oxford: Blackwell Publishing.

Mohagheghi, H. (1998). Examination of Depression and Some Related Factors among High School Students in Hamadan Province in 1976-44. *Research Council of Hamedan General Directorate of Education*. [Persian]

Motamedi, A. (2003). The Effects of the Entrance Exam on the Psychological Condition of Those Admitted to the University. *Research Institute of Curriculum Planning and Educational Innovation*. [Persian]

Mujtahedi, Z. (1994). *Examination the Relationship between the Current Method of Student Selection and the Position in the University*. Master Thesis, Allameh Tabatabai University. [Persian]

Nikonjad, A.H., (2002). Special University: A New Way of Admitting Students. *Proceedings of the Seminar on the Methods and Issues of University Entrance Exams*, Tehran. [Persian]

Pourkazemi, M.H. (2002). A Comparative Study of Student Admission in China and Japan and a New National Exam Plan. *Proceedings of the Seminar on the Methods and Problems of University Entrance Exams*, Isfahan House of Mathematics. [Persian]

Qolipour, R. & Vosoughi Nairi, A. (2013). Research Policy Analysis of Student Assessment and Admission Law in Universities and Higher Education of the Country. *Journal of Human Resource Studies*. 3(11): 128-130. [Persian]

Qolipour, R., Shojaei, M.R & Shokohi, M. (2005). Accepting the Student System in Iran and Providing an Appropriate Model. *Research and Parliament*, 12(11-49). [Persian]

Rahimi, H & Agha Baba, A. (2005). Familiarity with the Comprehensive System of Student Selection in the National Exam. Tehran. *Publications of the National Assessment Organization (University Road)*, (25). [Persian]

Roshan, A.R. (2010). Optimizing Student Admission Capacity in Iranian Public Universities. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. (58): 115-97. [Persian]

Smelser, Neil. J. (2003). On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology. *International Sociology*, 18(4): 643-657.

Sobhani, A. & Shahidi, M. (2007). The pathology of the Entrance Exam and the Examination of the Possibility of eliminating it in the Student Admission System. *Journal of Knowledge and Research in Educational Sciences*, (13): 161-181. [Persian]

Stiggins, J. R. (1990). Toward a relevant classroom assessment research agenda. *Alberta Journal of Educational Research*, 36(1): 92-97.

Strauss and Corbin, (1990). *Basics of Qualitative Research: grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage.

Tavakoli, H. (2015). *A Committee in the Assessment Organization to Eliminate the Entrance Exam*. Council Letter, 97:44-48. [Persian]

Tilak, J. (2000). *Higher Education in Developing Country*. Book Review Minerva, Vol. 38.

Tonderai, M. (2004). Widening Access in Higher Education in Zimbabwe. *Higher Education Policy*, 20(2).

Yarmohammadian, A. Sohrabi, N. & Orizi, A.R. (2005). A Comparative Study of the Impact of the Entrance Examination on the Mental and Personality Status of Those Accepted and Those not accepted to University and Their Families. *Journal of Psychological Studies: Al-Zahra Faculty of Educational Sciences and Psychology*, 1(2):119-136. [Persian]

Pathology of the Current Situation of the Student Assessment and Admission System in the Country with A Focus on the Entrance Examination and Providing A Solution to Improve the Student Assessment and Admission Model (A Comparative Study)

Kazem Fathtabar Firouzjaei¹, Ali Shojaati², Iman Shahram³, Fatemeh Khademi⁴

Abstract

With the increasing demand for study in higher education and the limited capacity of student admissions in universities, especially in popular fields, student assessment and admission has become one of the important goals of the educational system. In this regard, the present study was conducted with the aim of pathology of the current status of the student assessment and admission model and providing solutions to improve the student assessment and admission model in the country. The present study is an applied research in terms of purpose and qualitative in terms of methodology. The participants of the research were experts and scientific and executive experts in the field of entrance exam, who were selected by purposive sampling method with the snowball approach. The results of the present study indicate the inefficiency and ineffectiveness of the current model of student assessment and admission. Challenges related to the current model of assessment and admission of students, are considerable in three categories: injuries caused by the atmosphere of the educational system in the period before the entrance exam, challenges caused by the atmosphere of the national exam and the conditions governing the entrance exam of candidates, and injuries related to the period after the national exam. Admission by the university, optimization of admission based on academic records, strategies related to improving the performance and efficiency of the educational system and academic guidance were among the complementary and alternative strategies that were identified in the present study. From the experts' point of view, the successful implementation of the alternative model requires in-depth study, feasibility study, careful and meticulous evaluation and evaluation in various educational and non-educational dimensions. Therefore, according to the results of the present study, strategies such as reducing the emphasis on memorization and paying more attention to other skills needed by today's society, talents, interests and abilities of students, intelligent and process-oriented academic guidance and choosing disciplines appropriate to the talents, interests, and the ability of students, a change from the normative approach to the criterion method and the gradual elimination of the entrance exam, is suggested.

Keywords: Pathology, Model, Assessment and Admission, Entrance Exam, Students

¹. PhD graduate in Economics and Financial Management of Education, University of Tehran, Researcher at the Institute of Technology Studies Research Institute of Technology Studies. (Corresponding Author) - K_fathtabar.1986@yahoo.com

². PhD Student, Researcher at the Research Institute for Technology Studies Research Institute of Technology Studies

³. Graduate Student, Researcher at the Research Institute of Technology Studies Research Institute of Technology Studies

⁴. Master Student of Curriculum Planning, Researcher of the Research Institute of Technology Studies Research Institute of Technology Studies